

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده سینما و تئاتر

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته سینما

عنوان

بررسی تاثیر تفکر کوبیسم بر سینما

استاد راهنما

دکتر سید محسن هاشمی

عنوان بخش عملی

سبز سرخ

استاد راهنمای بخش عملی

دکتر حمید دهقانپور

نگارش و تمقیق

جواد حسن نیا

شهریور ۱۳۹۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

با یاد پدر و احترام برای مادرم،

به سمیرا و آراین

تعهد نامه

اینجانب جواد حسن نیا اعلام می دارم که تمام فصل های این پایان نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است. برداشت از نوشته ها، کتب، پایان نامه ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیر فارسی) با ذکر مآخذ کامل به شیوه تحقیق علمی صورت گرفته است.

بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسوولیت آن مستقیماً به عهده اینجانب خواهد بود.

تاریخ

امضاء

پیشگفتار

یکی از اهداف اساسی این پایان نامه تلاشی برای ارائه ی یک طبقه بندی جامع از دریافت های مختلف سینما، در مواجهه با هنر نقاشی است. هنر نقاشی و سبک های مختلف آن پیشنهادهایی دارند که استفاده از معادل های سینمایی آن، اغلب موجب افزودن لایه های ساختاری، معنایی و به خصوص بصری در فیلم های سینمایی بوده است. سعی بر این بوده است که با مطالعه ی سبک های مختلف نقاشی و به خصوص آثار نقاشان، ابتدا به ویژگی ها و مولفه های اساسی این آثار و سبک ها رسید و سپس با مطالعه ی فیلم های مختلف، معادل ها و مابه ازای آن ویژگی ها را شناسایی و بررسی کرد تا در پایان به فهرستی جامع از این دریافت ها و ابعاد مختلف آن واقف شد.

در مراحل مختلف سامان دادن به این پایان نامه و بخش عملی آن، استادان و دوستان زیادی نقش داشته اند که بدون کمک و حمایت های آنها، کار، نه تنها سخت که شاید غیر ممکن می نمود، که به سهم خود از همه ی آنها تشکر می کنم. از استادان دوران تحصیل، چه دوره ی کارشناسی و چه کارشناسی ارشد، در دانشکده ی سینما و تئاتر، که از همگی آنها بسیار آموختم، تشکر و قدردانی می کنم، به خصوص استاد راهنمای این پایان نامه، دکتر سید محسن هاشمی که راهنمایی هایشان تعیین کننده و امید بخش بود. همچنین استاد راهنمای بخش عملی پایان نامه، دکتر حمید دهقانپور، که قدردان حمایت های ایشان می باشم. از زحمات دوست عزیزم عباسعلی زارعی نیز سپاسگزارم که تهیه و تدوین فیلم مستند بخش عملی پایان نامه، بدون همکاری او امکان پذیر نبود. در پایان از همراهی و همدلی همسر عزیزم سمیرا محمدزاده تشکر می کنم که بدون او و دلسوزی هایش این کار به سرانجام نمی رسید.

چکیده

مساله ی اساس مطرح شده در این پایان نامه، پاسخ به این پرسش است که سینما چه تاثیراتی از هنر نقاشی دریافت کرده و این دریافت ها در چه سطوح و ابعادی صورت گرفته اند؟ یکی از جنبه های اساسی تاریخ هنر، روابط متقابلی است که در طول تاریخ، بین آثار یک زمینه ی هنری رخ می دهد، که این تبادل و دریافت ها، به نوبه ی خود منجر به ایجاد تغییر و تحول هایی در آن گونه ی هنری می شود. تغییراتی که در قالب سبک های مختلف هنری، ظهور و بروز پیدا می کنند.

اغلب اوقات، دامنه ی دریافت ها و تاثیرات هنری از یک زمینه ی صرف، همچون نقاشی، فرا تر رفته و به دیگر گونه های هنری کشیده می شود. یکی از اهداف این پایان نامه بررسی تاثیراتی است که هنر سینما از هنر نقاشی و سبک های مختلف آن، در سطوح گوناگون دریافت کرده است. بنا بر این بوده است که این سطوح مختلف، طبقه بندی و ضمن مطالعه و بررسی نمونه هایی از هر دو زمینه ی هنری، این آثار تجزیه و تحلیل شوند، تا یک دورنمای اساسی از رابطه ی سینما و نقاشی ترسیم شود. در اینجا، فقط به دریافت های سینما از هنر نقاشی و برخی سبک های آن از اکسپرسیونیسم تا مینیمالیسم پرداخته شده است.

یکی از نقاط عطف نقاشی، ابداع سبک کوبیسم است. سبکی غنی و تاثیرگذار که موجب تغییراتی بنیادین در هنر نقاشی و شکل گیری سبک های مختلف آن و دیگر هنرها بوده است. سینما گران نیز از این تاثیرات دور نبوده و به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه از تکنیک ها و مولفه های مختلف سبک کوبیسم در فیلم هایشان سود برده اند، که در فصلی از این پایان نامه به بررسی این تاثیرات پرداخته شده است.

کلید واژه های اصلی این پایان نامه، عبارتند از: نقاشی، سینما، سبک های نقاشی، سبک های سینمایی و نقاشی کوبیسم.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول) تاثیرات دریافتی سینما از هنر نقاشی	۶
الف) تاثیرات دریافتی سینما از مولفه های ذاتی و ساختاری نقاشی	۹
(۱) تاثیر مولفه های ذاتی هنر نقاشی بر فیلم های سینمایی	۹
(۲) تاثیر مولفه های ساختاری و شخصی نقاشی بر سینما	۱۱
(۳) تاثیر مولفه های سبک شناختی سبک های مختلف نقاشی بر سینما	۱۵
ب) تاثیرات دریافتی سینما از مولفه های بصری و محتوایی آثار نقاشی	۱۶
(۱) حضور تابلوهای نقاشی و بازنمایی و بازسازی آنها در کادر فیلم	۱۶
(۲) فیلم های تاریخی متأثر از آثار نقاشی دوران خاص تاریخی	۲۳
ج) تاثیرات دریافتی سینما از جهان نقاش و آثارش	۲۵
(۱) فیلم های اتوبیوگرافی نقاشان و اتفاقات مرتبط با آنها	۲۵
(۲) فیلم های مستند درباره نقاشان و آثار نقاشی	۳۲
د) طراحی فیلم به مثابه نقاشی	۳۴
(۱) طراحی انیمیشن	۳۵
(۲) طراحی استوری بُرد	۳۶

۳۷	طراحی موجودات و عناصر تخیلی در فیلم
۳۸	طراحی تبلیغات فیلم
۴۰	فصل دوم) تاثیر مولفه های سبک های متاخر نقاشی بر سینما
۴۱	۱) اکسپرسیونیزم
۵۰	۲) دادائیسم
۵۹	۳) سوررئالیسم
۶۸	۴) هنر پاپ
۷۷	۵) مینیالیسم
۸۴	فصل سوم) تاثیرات دریافتی سینما از سبک کوبیسم
۸۶	پیشینه و مولفه های سبک کوبیسم
۹۰	کوبیسم تحلیلی
۹۲	کوبیسم ترکیبی
۹۴	عنصر زمان در نقاشی کوبیستی و سینما
۹۷	مولفه های ساختاری سبک کوبیسم
۹۸	۱) تنوع زاویه دید و استفاده از شیوه های مختلف تصویر پردازی
۱۱۱	۲) تکنیک کلاژ

۱۱۹ (۳) خودارجاعی اثر هنری

۱۲۳ نتیجه گیری

۱۲۵ فهرست منابع و مآخذ

۱۲۸ چکیده ی انگلیسی

فهرست شکل ها

- شکل ۱: فرار کوچک گروه پلیس، فردیناند زکا ۸
- شکل ۲: نرو، یا سقوط رم ۱۱
- شکل ۳: نسیت، موریس اشر ۱۳
- شکل ۴: تلقین، کریستوفر نولان ۱۳
- شکل ۵: آوازهایی از طبقه ی دوم، روی اندرسون ۱۹
- شکل ۶: دوره گردی های شبانه، ادوارد هوپر ۱۹
- شکل ۷: فجایع جنگ، فرانسیسکو گویا ۲۷
- شکل ۸: اشباح گویا، میلوش فورمن ۲۷
- شکل ۹: فتومونتاژهایی برای *Pro Eto*، الکساندر رودچنکو ۳۱
- شکل ۱۰: فریاد، مایک دیویس ۳۱
- شکل ۱۱: فریاد (جیغ)، ادوارد مونک ۴۳
- شکل ۱۲: شهرگناه، رابرت رودریگوئز ۴۹
- شکل ۱۳: تایم کد، مایک فیگیس ۵۹
- شکل ۱۴: تلقین، کریستوفر نولان ۶۷
- شکل ۱۵: توقف زمان، رنه مگریت ۶۷
- شکل های ۱۶-۱۸: پیرو خله، ژان لوک گدار ۷۴
- شکل ۱۹: بانوی وکلاید، آرتور پن ۷۶

- شکل ۲۰: *Clip-o-Matic Lips*، جو تیلسن ۷۹
- شکل ۲۱: *داگ ویل*، لارس فون تریه ۸۲
- شکل ۲۲: *دوشیزگان آوینیون*، پابلو پیکاسو ۸۷
- شکل ۲۳: *آمبروآز ولار*، پابلو پیکاسو ۹۱
- شکل ۲۴: *تابلوی ویولن و تخته شستی*، ژرژ براک ۹۹
- شکل ۲۵: *ظرف میوه، ویولون و لیوان*، پابلو پیکاسو ۱۰۰
- شکل ۲۶: *گیتار، خوان گریس* ۱۰۱
- شکل های ۲۷-۳۲: *راشومون، آکیرا کوروساوا* ۱۰۵
- شکل های ۳۳-۳۵: *پرسونا، اینگمار برگمان* ۱۱۲
- شکل های ۳۶-۳۸: *پرسونا، اینگمار برگمان* ۱۱۵
- شکل ۳۹: *پرسونا، اینگمار برگمان* ۱۲۲

مقدمه

در طول تاریخ هنر به شیوه‌ها و نحوه‌های متفاوت، روابطی متقابل بین هنرها وجود داشته است. به طوری که این روابط متقابل اغلب باعث شکوفایی دو زمینه‌ی هنری شده است. گاهی این تاثیرات، آن‌چنان عمیق و بنیادی است که منجر به سوق دادن گرایش‌های هنری به سمت و سوی کاملاً متفاوت نسبت به گذشته آن هنر می‌شود، نقاشی و سینما نیز دو زمینه‌ی هنری متفاوت اند، با ویژگی‌های خاص خود. با وجود تفاوت‌های بنیادی بین این دو هنر، می‌توان شباهت‌هایی نیز در جلوه‌های مختلف این دو زمینه‌ی هنر جست و جو کرد، به خصوص از نظر بصری و عناصر تصویرپردازانه.

بیشترین وجه شباهت این دو هنر، عناصر بصری متمرکز شده بر روی یک صفحه است، سینما و پرده‌ی سالن‌های نمایش، و در آن‌سو، نقاشی و بوم‌نقاش. در یک طرف سینماگر، یک محدوده‌ی زمانی متناسب با طول فیلمش را در اختیار دارد تا عناصر بصری مورد نیاز روایتش را در گستره‌ی زمانی محدودش، سامان دهد. و در آن طرف هنرمند نقاش است که با ثبت عناصر بصری سوژه‌اش در لحظه یا لحظاتی مشخص، به هستی‌اثرش جان می‌دهد. حیاتی که هستی‌اش را از سکون و ثبات عناصرش در یک سطح دوبعدی می‌گیرد، در صورتی که سینما هستی‌اش وابسته به حرکت همان عناصر بصری است در گستره‌ی زمان، و این تفاوت اساسی این دو زمینه‌ی هنری است.

با وجود این، این دو هنر روابط متقابلی در زمینه‌ها و جنبه‌های مختلف داشته و دارند؛ از جنبه‌های بصری تا ویژگی‌های اساسی تری همچون مولفه‌های سبک‌شناختی. یکی از اهداف این پایان‌نامه بررسی، تجزیه و تحلیل و فهرست کردن تاثیرات دریافتی سینما از هنر نقاشی، در تمامی ابعاد و گستره‌های آن است. از حضور بخشی از یک تابلوی نقاشی در کادر فیلم، تا استفاده از مولفه‌های ساختاری سبک‌های مختلف نقاشی و انتقال آنها به حوزه‌ی ساختاری و زیبایی‌شناختی سینما. سعی بر این بوده است که این فهرست، علاوه بر کامل و جامع بودن از نکات تحلیلی نیز بی‌بهره نباشد. آنگونه که بتوان هر فیلمی را که ردپا و نشانی از نقاشی در آن راه پیدا کرده باشد، با توجه به چگونگی و کیفیت این حضور، در یکی از بخش‌های این طبقه‌بندی جای داد تا بهتر بتوان، این رابطه‌ی بینامتنی را، در مقایسه با دیگر آثار مشابه، بررسی و تحلیل کرد.

در فصل اول این پایان نامه به دامنه‌ی گسترده‌ی این تأثیرات پرداخته شده است. بررسی و مطالعه‌ی ای که همراه با تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از هر دو زمینه‌ی ارائه‌دهنده و دریافت‌کننده‌ی تأثیرات، یعنی نقاشی و سینما است. در مواردی که دیدن خود اثر هنری به درک و دریافت بهتر آن کمک می‌کرده است، از تصاویر آثار نقاشی و عکس صحنه‌های فیلم استفاده شده است.

یکی از زمینه‌های گسترده و مهمی که سینما تأثیرات بسیاری از آن دریافت کرده است، سبک‌های مختلف نقاشی هستند. سبک‌هایی که هرکدام، تحت تأثیر شرایط مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در برهه‌های مختلف زمانی و مکانی، تحت عناوینی خاص شکل گرفته‌اند. سبک‌هایی که در برخی موارد دامنه‌ی تأثیرات آن به دیگر زمینه‌های هنری نیز، رسوخ کرده و منجر به شکل‌گیری آثار هنری مهم و تأثیرگذاری در آن زمینه‌ی هنری شده است.

در فصل دوم به برخی سبک‌های نقاشی متاخر که نفوذ و تأثیرات بیشتری در زمینه‌ی سینما داشته‌اند و نیز ویژگی‌های آنها پرداخته می‌شود. در همین بخش سینمای برآمده از دل این سبک‌ها، و فیلم‌های تأثیر گرفته از مولفه‌های این سبک‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرند، سبک‌هایی همچون اکسپرسیونیسم، سوررئالیسم، دادائیسم، هنر پاپ و مینیالیسم.

نباید از نظر دور داشت که این تأثیرات و روابط بینامتنی، گاه کاملاً آگاهانه سازمان‌دهی شده‌اند، همچون تلاش لوئیس بونوئل و سالوادور دالی برای ساخت یک فیلم سوررئالیستی، بر اساس آموزه‌های سبک سوررئالیسم. گاهی نیز فیلمسازان به صورت ناخودآگاه تحت تأثیر سبک‌های مختلف هنری قرار گرفته و عناصری از آن سبک‌ها در آثارشان راه پیدا می‌کند.

یکی از سبک‌های تأثیرگذار نقاشی، سبک کوبیسم است که در سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۴، در فرانسه، پایه‌گذاری شد، رشد کرد و به اوج رسید. سبکی که در بازنمایی واقعیت، راهی نو در پیش گرفت و پیشنهاد دهنده‌ی شیوه‌ی دیگری از دیدن جهان بود. ابداعات بی‌سابقه‌ی این سبک سرچشمه‌ی خلق آثار ارزشمندی شد. آثاری که دامنه‌ی تأثیرات آن تا هنر امروز نیز ادامه داشته است.

در فصل سوم، به پیشینه‌ی تاریخی کوبیسم، ویژگی‌ها و مولفه‌های اساسی آن پرداخته شده است. علاوه بر این، ردپای این مولفه‌ها در سینما و آثار مختلف سینمایی، جست و جو، شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

لازم به ذکر است که با توجه به پیشینه عظیم نقاشی، در مقایسه با عمر کوتاه سینما، بی تردید سینما به خصوص در وجه بصری آن، و آنچه در چارچوب کادر فیلم ها در جریان است، وامدار هنر نقاشی و پیشینه ی آن است. از سوی دیگر با ابداع سینما، نوع جدیدی از تصویر یعنی "تصویر متحرک" پا به عرصه ی هنرها گذاشت که پیش تر بی سابقه بود. این گونه ی جدید هر چند در ابتدا و به سختی به عنوان هنر پذیرفته شد اما اغلب هنرمندان دیگر زمینه ها، از جمله هنرمندان نقاش را، ترغیب کرد که از تجربیات آن در حیطه ی هنری خود استفاده کنند. آنها در دوره های مختلف و به شیوه های مختلف تحت تاثیر جهان سینما و فیلم های سینمایی، دست به تجربیاتی تازه زدند.

این پایان نامه در وهله ی اول متکی به روش تحقیق کتابخانه ای است و مطالعه و بررسی کتاب های مرجع تاریخ هنر، به ویژه تاریخ و سبک های مختلف نقاشی اوایل قرن بیستم و نظریات و تئوری های مرتبط با سبک های سینمایی. در مرحله ی بعد روش تحقیق، شامل مراجعه ی مستقیم به خود آثار نقاشی، از جمله آثار نقاشان کوبیست است، تا در نهایت بتوان به یک جمع بندی کامل از عناصر و مولفه های اصلی این سبک و دیگر سبک های نقاشی رسید، ویژگی هایی که قابل پی گیری در آثار متعدد آنها باشند. از سوی دیگر مطالعه ی فیلم های سینمایی به منظور استخراج مولفه ها و معادل های سینمایی سبک های مختلف نقاشی، بخش دیگری از شیوه ی تحقیق این پایان نامه است. چارچوب نظری تحقیق نیز متکی بر وجود رابطه بینامتنی بین آثار هنری در زمینه های مختلف، و نیز تعمیم عناوین سبک های مختلف سینمایی است که بر گرفته از سبک های مختلف نقاشی، ادبیات و یا گونه های دیگر هنر بوده اند و اغلب با عنوان های یکسانی نامیده می شوند، از جمله نقاشی و سینمای سوررئالیست و یا اکسپرسیونیستی.

در زمینه ی تاثیرات دریافتی سینما از نقاشی، مقالات، کتاب ها و پایان نامه هایی نوشته شده است، که اغلب به صورت موردی به فیلمسازان و فیلم های خاصی پرداخته اند، از جمله کتاب سینما و نقاشی^۱، نوشته ی آنجلا دلا وچه^۲، که نویسنده بحث خود را به بررسی رابطه ی سینما و نقاشی در چند فیلم خاص محدود کرده است. فیلم هایی همچون، پیرو خله^۳(گذار ۴)، آندره روبلف^۵ (تارکوفسکی^۶)، پنج زن دور و بر اوتامارو^۷ (میزوگوشی^۸)، صحرای سرخ^۹ (آنتونیونی^{۱۰})، مارکیز فون

۱۱ (رومر ۱۲)، *نوسفراتو* ۱۳ (مورنائو ۱۴)، *یک آمریکایی در پاریس* ۱۵ (مینه لی ۱۶) و *ترز* ۱۷ (کوالیه ۱۸)
(Vacche, 1995, 12).

پایان نامه هایی که در این زمینه نوشته شده اند نیز یا محدود به بررسی سازماندهی عناصر تصویری در دو قاب نقاشی و سینما بوده اند، مانند پایان نامه ی *تاثیر پذیری سینما و نقاشی* نوشته ی حسین اقبالی (اقبالی، ۱۳۸۱، ۲۴) و یا به مسائلی همچون طراحی صحنه ی فیلم و اهمیت عناصر تجسمی در طراحی صحنه ی پرداخته اند مانند، *نقاشی و سینما*، نوشته ی عبدالحمید قدیریان (قدیریان، ۱۳۸۰، ۴۵).

یکی دیگر از پایان نامه هایی که به روابط متقابل سینما و نقاشی پرداخته است، پایان نامه دکترای خانم دنا ال پولتون ۱۹ است با عنوان، *تصاویر متحرک در هنر و فیلم: بینامتنیت و استفاده سیال از نقاشی در سینما ۲۰*. در این پایان نامه این روابط متقابل به ۱۶ دسته تقسیم شده اند. در اغلب این ۱۶ طبقه استفاده هایی که سینما از نقاشی برده جای دارند. در این فهرست متنوع، از استفاده و نقل قول مستقیم آثار نقاشی در فیلم ها تا سینماگران کلکسیونر نقاشی و نقاشانی که در نقاشی هایشان از شمایل نگاری فیلم استفاده کرده اند جای می گیرند. (Poulton, 1999, 9) در این تقسیم بندی به صورت کلی و همه نوع تاثیرات متقابل زیر یک عبارت کلی بینامتنیت سینما و نقاشی گرد آمده اند و هیچ تفکیکی بین انواع مختلف برداشت های متقابل و کیفیت و چگونگی آنها نشده است.

-
- | | | |
|--|------------------------------|---------------------------------|
| 1. <i>Cinema and Painting</i> | 2. Angela Della Vacche | 3. <i>Pierrot Le Fou</i> |
| 4. Jean-Luc Godard | 5. <i>Andrei Rublev</i> | 6. Andrei Tarkovsky |
| 7. <i>Five Women around Utamaro</i> | 8. Kenji Mizoguchi | 9. <i>Red Desert</i> |
| 10. Michelangelo Antonioni | 11. <i>The Marquise of O</i> | 12. Eric Rohmer |
| 13. <i>Nosferatu</i> | 14. F. W. Murnau | 15. <i>An American in Paris</i> |
| 16. Vincente Minnelli | 17. <i>Thérèse</i> | 18. Alain Cavalier |
| 19. Donna Lauren Poulton | | |
| 20. <i>Moving images in art and film: The intertextual and fluid use of painting in cinema</i> | | |

اما علی رغم کوشش های فراوان پژوهشگران مذکور، می توان گفت که آثار فوق الذکر نتوانسته اند به صورت جامع تاثیرات دریافتی سینما از نقاشی را مورد ارزیابی قرار دهند، هدفی که در این پایان نامه مورد توجه قرار گرفته است.

درباره ی سبک کوبیسم، مطالب فراوانی، به صورت های مختلف نوشته و منتشر شده است. از اولین کسانی که درباره ی نقاشی کوبیسم مطالبی نوشت، می توان به گیوم آپولینر^۱ اشاره کرد. او در بخشی از کتاب *تاملات زیبایی شناختی* که در سال ۱۹۱۲ در پاریس منتشر شد، به نقاشی کوبیسم و تقسیم بندی آن می پردازد. (آپولینر، ۱۳۸۲، ۲۳) نگارش و انتشار کتاب های درباره ی نقاشی کوبیسم از همان زمان تا به امروز ادامه دارد.

اما در زمینه ی سینمای کوبیست مطالب و منابع مطالعاتی کمتری وجود دارد. یکی از این محدود موارد کتابی است با عنوان *سینمای کوبیست*^۲ که توسط استندیش دی لادر^۳ نوشته و در سال ۱۹۷۵، توسط انتشارات دانشگاه نیویورک منتشر شده است. لادر در این کتاب، تاریخ اولیه ی سینما و تاثیر آن بر هنر مدرن را بررسی می کند. همچنین، روابط متقابل بین جنبش کوبیسم در نقاشی و ظهور و بروز آن در سینما و فیلم های آوانگاردی هم چون *باله ی مکانیکی*^۴ (۱۹۲۴) ساخته ی فرنان لژه^۵، بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. علاوه بر این لادر به بررسی جنبش های آوان گارد در سینمای دهه ی ۱۹۲۰ و پس از آن می پردازد. جنبشی که توسط هنرمندانی همچون هانس ریشر (ریختر)^۶، وایکینگ اگلینگ^۷ و والتر روتمان^۸ پایه گذاری شده و توسعه پیدا کرد. در کل، کتاب *سینمای کوبیست* لادر، را می توان به عنوان منبع مناسب و منحصر به فردی در زمینه ی ارتباط بین فیلم و هنر مدرن به شمار آورد. (Lieberman, 1976, 66)

1. Guillaume Apollinaire
4. *Ballet mécanique*
7. Hans Richter

2. *The Cubist Cinema*
5. Fernand Léger
8. Walter Ruttmann

3. Standish D. Lawder
6. Viking Eggeling

فصل اول

تأثیرات دریافتی سینما از هنر نقاشی

به منظور بررسی تأثیرات دریافتی سینما از هنر نقاشی و مولفه‌ها و پیشنهاد های مختلف آن، مناسب تر آن است که ابتدا این مولفه‌ها و ویژگی‌ها را تشریح و طبقه بندی کرد و در مرحله ی بعد به این پرداخت که سینما در مفهوم عام آن و فیلم های سینمایی در معنای خاص تر از این امکانات و مولفه‌ها چه برداشت قابل توجه و ملاحظه ای داشته اند. به نظر، مولفه های اساسی هنر نقاشی، به مفهوم کلاسیک و مدرن آن را می توان به چهار دسته ی اساسی زیر طبقه بندی کرد:

۱) مولفه های ذاتی

مهم ترین مولفه ی ذاتی (اساسی و بنیادین) نقاشی، عبارت است از حضور حداقل قابل رویتی، از عناصر مختلف بصری همچون، خط، سطح و رنگ، که بر روی یک سطح دوبعدی به صورتی آگاهانه سازمان دهی شده اند. می توان مولفه و ویژگی ذاتی نقاشی را به عناصر بصری ساکن، که آگاهانه بر روی یک سطح دو بعدی قرار گرفته اند، خلاصه کرد.

۲) مولفه های ساختاری و سبک شناختی

مولفه های ساختاری و سبک شناختی، همان ویژگی های مشترک فرمی هستند، که در کنار ویژگی های محتوایی، منجر به شکل گیری سبک های مختلف نقاشی می شوند. البته، معمولا ویژگی های ساختاری و فرمی در شکل گیری سبک های مختلف، اهمیت بسیار بیشتری نسبت به ویژگی های محتوایی دارند. مولفه هایی که در مجموعه آثار یک یا چندین نقاش، قابل پی گیری اند و در دوره های مختلف زمانی، باعث ایجاد "سبک" های مختلف نقاشی شده اند، و یا یک نقاش به خصوص را، واجد سبکی منحصر به فرد ساخته اند.

۳) مولفه های بصری

عناصر و مولفه های بصری اساسی نقاشی عبارتند از، خط، رنگ، تونالیته (تیرگی-روشنی)، شکل، بافت و فضا، که این عناصر بصری با توجه به اصول بنیادینی همچون، هماهنگی، تنوع، تعادل، تباین، نقطه ی تمرکز، تناسب، حرکت و ریتم، به شیوه های مختلف در کنار یکدیگر قرار گرفته و اثری را خلق می کنند. (جنسن، ۱۳۹۰، ۶۱) اثری که می تواند واجد ساختارها، مضامین، معانی و ارزش های مختلفی باشد. البته دامنه ی عناصر بصری در نقاشی مدرن و پس از آن بسیار گسترش پیدا کرده است و علاوه بر موارد ذکر شده شامل هر شیء قابل رویت و استفاده ای می شود که نقاش در ترکیب بندی خود جای دهد.

۴) مولفه های محتوایی

منظور از مولفه های محتوایی در اینجا، هم شامل موضوع و سوژه نقاشی می شود و هم آن معنا و مضمونی که از مشاهده ی تابلوی نقاشی در ذهن مخاطب شکل می گیرد. موضوع آثار نقاشی دامنه ی وسیعی را در بر می گیرد که شکل دهنده ی گونه های مختلف نقاشی همچون پرتره، منظره، طبیعت بی جان و انتزاعی می شود.

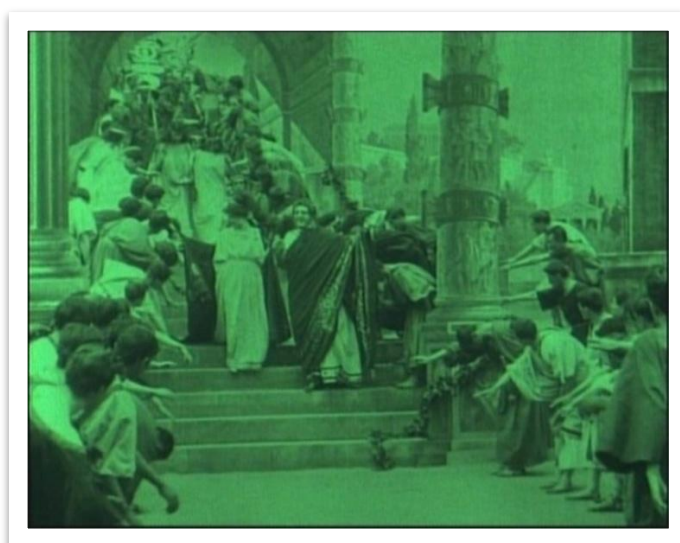
پس از این بررسی اجمالی، به این نکته باید اشاره کرد که، تاثیرات دریافتی سینما از این مولفه ها در سطوح و ابعاد مختلفی قابل پی جویی و بررسی اند، از حضور بخشی کوچک از یک تابلوی نقاشی در کادر فیلم، تا استفاده از ویژگی های ساختاری یک نقاشی، به منظور سازمان دادن روایت و ساختار فیلم. البته دریافت های سینما از نقاشی محدود به این مولفه ها نمی شود و دنیای نقاشی، امکانات دیگری هم برای عرضه به هنر سینما داشته است، از جمله ی این امکانات، زندگی خود نقاشان است.

این تاثیرات دریافتی از همان سال های اولیه ی ابداع سینما، تا زمان حاضر، در آثار مختلف سینمایی، قابل مشاهده اند. در فیلم های اولیه ی تاریخ سینما، از نقاشی برای شکل دادن بخش های پسزمینه ی صحنه و ترکیب با دکورهای ساخته شده استفاده می شده است، به عنوان مثال در فیلم

فرانسوی فرار کوچک گروه پلیس ۱ ساخته ی فردیناند زکا ۲ در سال ۱۹۰۷، بخش هایی از دکور صحنه ها، تابلوهای نقاشی شده هستند. (شکل ۱) این تکنیک در فیلم های تاریخی ساخته شده در همان سال ها بیشتر مورد استفاده قرار می گرفت، از جمله در فیلم ایتالیایی، *نرو، یا سقوط رم* که در سال ۱۹۰۹ ساخته شده است، در دکورهای مختلف فیلم، پسزمینه های نقاشی شده، تصویر گر بخش هایی از مکان وقوع داستان فیلم اند. (شکل ۲)



شکل ۱: فرار کوچک گروه پلیس، فردیناند زکا



شکل ۲: *نرو، یا سقوط رم*

به طور کلی، تاثیرات و دریافت های مختلف سینما از نقاشی را می توان در چهار زمینه ی مختلف طبقه بندی، و تجزیه و تحلیل کرد. این چهار زمینه ی کلی که هر کدام شامل بخش های جزئی تر، می شوند عبارتند از:

- الف) تاثیرات دریافتی سینما از مولفه های ذاتی و ساختاری نقاشی
- ب) تاثیرات دریافتی سینما از مولفه های بصری و محتوایی آثار نقاشی
- ج) تاثیرات دریافتی سینما از جهان نقاش و آثارش
- د) طراحی فیلم به مثابه نقاشی

الف) تاثیرات دریافتی سینما از مولفه های ذاتی و ساختاری نقاشی

بخشی از تاثیرات دریافتی سینما از نقاشی، دریافت از مولفه های ذاتی نقاشی و مولفه های ساختاری و سبک شناختی نقاشی است. علاوه بر مولفه های ذاتی، هر اثر نقاشی و نیز هر گونه و سبک نقاشی، از ویژگی های خاص و منحصر به فردی سود می جوید که آن را از دیگر آثار، متمایز می کند. این تاثیرات شامل موارد زیر است:

۱) تاثیر مولفه های ذاتی هنر نقاشی بر فیلم های سینمایی

از جمله مولفه های ذاتی هنر نقاشی و از اصلی ترین وجوه این هنر، همان طور که اشاره شد، حضور سوژه های ساکن بر روی سطحی دو بعدی است. نقاشی هستی خود را از سکون و ثبات سوژه هایش می گیرد، که در چارچوب بوم نقاشی برای همیشه و در همان لحظه ای که متولد می شوند، ثابت می مانند. این ویژگی، شامل همه ی آثار نقاشی است؛ از نقاشی های واقع گرایانه و رئالیسم، که سوژه هایشان بازنمایی عینی واقعیت است، تا آثار نقاشان اکسپرسیونیسم انتزاعی که سوژه های ساکن شان، خطوط و اشکال و طرح واره های منظم یا درهم و برهم است.

در بخش مقدمه ی فیلم *ملانکولیا* ۱ (۲۰۱۱)، کارگردان فیلم، لارس فون ترییر^۲، به گونه ای در حال تجربه ی بازآفرینی نقاشی بر پرده ی سینماست. به این ترتیب که کادر سینما نقش بوم نقاشی را ایفا

1.Melancholia

2.Lars von Trier